

یک اسلام، مجموعه ای از پیروان

خداوند یکی است اما اسلام چند وجهی است. دنیای اسلام برج زبانی بابل است، چهل تکه ای از قومیت هاست، معمایی است جغرافیایی و شهر فرنگی سیاسی که تصویری خارق العاده از تنوع ارائه می دهد.

سلیمان زی گیدور

روزنامه نگار مجله هفتگی فرانسوی زبان
Levie، نویسنده زندگی روزانه در مکه که در ۱۹۹۰
توسط انتشارات هاشت به زبان فرانسوی منتشر شد.

بر قانون و هر چیزی بین این دو: محافظه کار بسیار افراطی، اسلام- مسیحی، حکومت های غیر مذهبی و مدرنیست. این کشورها تقسیم می شوند به متحدان و دشمنان ایالات متحد، اقتصادهای سوسیالیستی و تجارت آزاد، ثروتمند و فقیر.

تعداد اندکی از این مطلب آگاه اند که از هر سه مسلمان یک نفر در کشورهایی که فرهنگ های دیگر بر آنها حاکم است، زندگی می کند، از جمله: آیین کاتولیک (فرانسه، بلژیک) مذهب پروتستان (ایالات متحد، بریتانیا)، آیین ارتودکس (روسیه و مقدونیه) آیین بودایی (سری لانکا) و کنفوسیوس (چین). به طور کلی، مسلمانان از جمله ترک ها، کردها، پارس ها، عرب ها، مالزیایی ها، بربرها، اسلاوها، چینی ها و آفریقایی ها،

مسلمانان، اسلام یعنی تسلیم شدن، واگذار کردن خود به مشیت الهی. بنا به تعالیم پیامبر (ص) اصول اخلاقی اسلام را می توان در «عبادت خالصانه خداوند، اقامه نماز، دادن صدقه، روزه گرفتن در ماه رمضان، اطعام گرسنگان و آرزوی سلامتی برای همسایگان و غریبه ها خلاصه کرد.»

امروز اسلام هم یک مذهب است و هم یک تمدن، اما متدینان ترجیح می دهند هنگامی که به مسلمانان اشاره می شود واژه امت یا اصطلاح دار الاسلام را به کار برند. قلمرو اسلام از اندونزی تا مراکش، از مدار شما لگان تا مدار رأس السرطان گسترش دارد و ۵۷ کشور با نظام های سیاسی مختلف را در بر می گیرد. از امیر نشین های قرون وسطایی تا جمهوری های مبتنی

کلمه اسلام از ریشه سامی «سلم» به معنای «صلح» و «سلامتی» و «سعادت» مشتق شده است. حتی خیلی پیش تر از قرآن، این ریشه در نام Salem، خدای کنعان وجود داشت که بعد خدای ur-salem، شهر سالم (Jerusalem) بیت المقدس، شد. اسامی سلیمان، سالومه، سلمنصر (پادشاه آشور) و کلمه shalome (شالوم یا سلام که در زبان های عبری و ارمنی به معنای صلح است)، و سلام در زبان عربی، همه از ریشه slm (سلم) گرفته شده اند. به اعتقاد

فیلیپ فارگوئس*: پایان مرد سالاری؟

دومی، که هنوز بر قوانین شریعت استوار است، با تغییرات جامعه تهدید می شود. دخترها امکان بیشتری برای آموزش یافته اند و دیرتر ازدواج می کنند. زنان از طریق کار کردن بیرون از دایره خانواده خویش پا به دنیای مردان می گذارند. و تعداد زنان مجرد رو به افزایش است. چیزی که تا کنون بی سابقه بوده است.

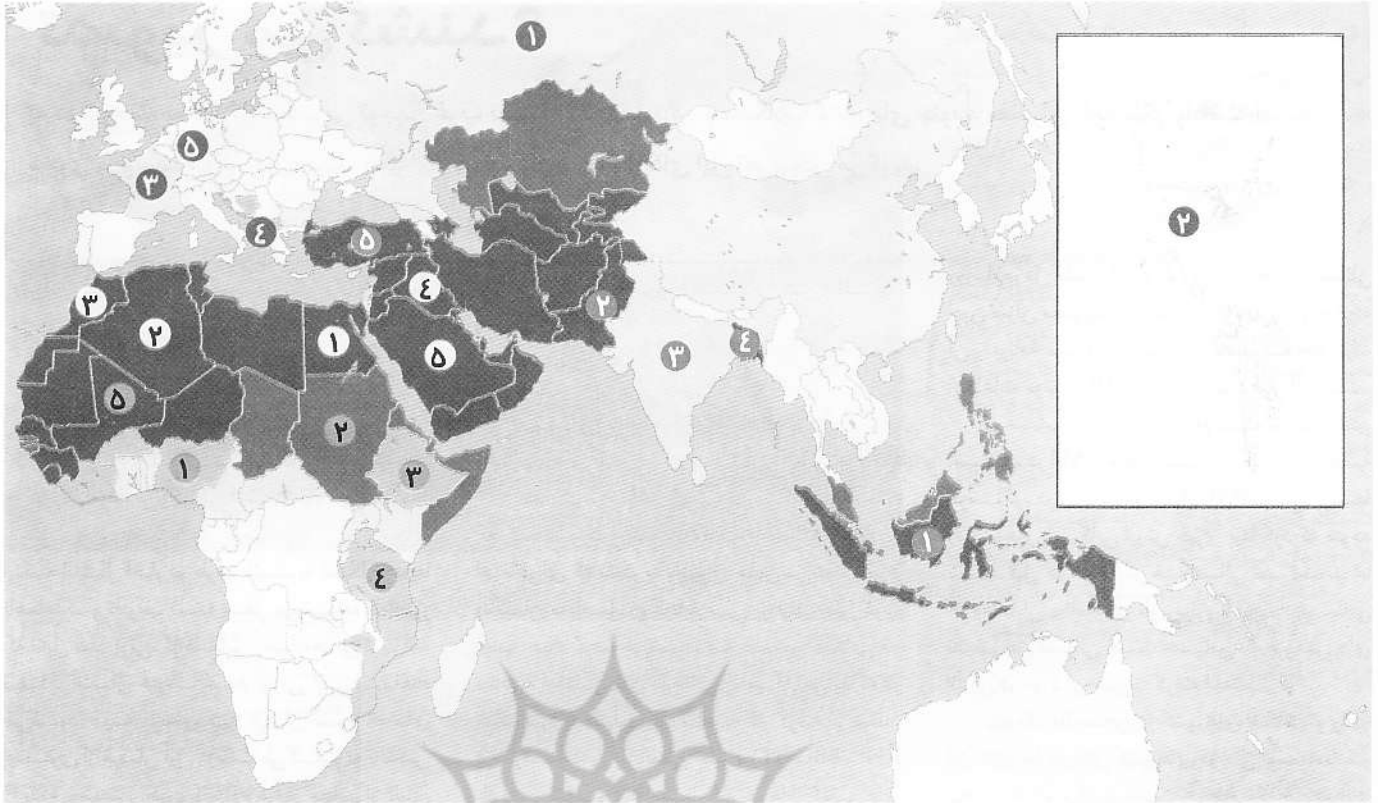
پیدایش خانواده های دو فرزندی به معنای رسیدن رشد جمعیت به صفر نیست. میزان تولید بین ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بالاترین رشد خود رسید و از آن زمان تا کنون کاهش چشمگیر آن مگر در سال های بین ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ در بازار کار محسوس نخواهد بود. اما جای امیدواری وجود دارد. برای مدت زمان اندکی در تاریخ، افراد ۲۵ ساله موقعیت ممتاز و استثنایی پیدا کرده اند. تعداد آنها بیش از آن است که مراقبت از بزرگسالان شان بار سنگینی بر دوش های آنان بگذارد. با در نظر گرفتن کاهش میزان زاد و ولد، آنها می توانند به جای آنکه مثل گذشته در گیر رشد جمعیت باشند، با سرمایه و پس انداز وضع زندگی خود را بهبود بخشند.

اما برای تبدیل این امتیاز از مرحله تئوری به عمل، این نسل باید موقعیت پس انداز را داشته باشد که این در گرو داشتن کار است. در بیشتر کشورهای منطقه، پیشرفت فوق العاده وضعیت تحصیلی و افزایش تعداد فارغ التحصیلان، بلند پروازی ها و خواسته ها را بیشتر کرده است. اما اغلب جوانان با بی کاری رو به رو هستند یا مجبورند کارهایی را انتخاب کنند که پایین تر از مدارک تحصیلی و صلاحیت آنان است.

یک تغییر اساسی در آفریقای شمالی و خاورمیانه در حال انجام است: میزان باروری هنوز هم ممکن است بالای سه فرزند برای هر زن باشد اما این میزان به سرعت در حال پایین آمدن است. این میزان در لبنان، تونس و ایران تاکنون به زیر سطح تولید مثل ۲/۱ فرزند برای هر زن کاهش یافته است. الجزایر، مراکش، لیبی و مصر بعد از این کشورها قرار دارند. دیگر از این نظر، تفاوتی عمده میان دو ساحل مدیترانه به چشم نمی خورد. در تونس مانند بسیاری از شهرهای اروپایی این میزان ۱/۵۵ کودک برای هر زن است. فرهنگ اسلامی را دیگر نمی توان مانعی برای رفتار جمعیت شناختی مدرن محسوب کرد. ایران، در زمان یک حکومت اسلامی نسبت به همه، شاهد چشمگیرترین تغییر بود، کاهش نرخ ۶/۴ کودک برای هر زن در ۱۹۸۶ به ۲/۰۶ در ۱۹۹۸. این کشور در طول دوازده سال مسیری را طی کرد که غرب بیش از یک قرن برای پیمودن آن وقت صرف نمود.

قطعا شرایط ویژه ای مثل فشار اجتماعی، جنگ ها، تحریم ها و بحران های اقتصادی در کاهش میزان باروری سهیم بوده است. اما گرایش های تغییر ناپذیر جهانی بیشترین نقش را داشته است. رشد روستاها و شهر ها، حضور تعداد بیشتری از کودکان (خصوصا دخترها) در مدرسه و افزایش مشاغل خدماتی. این روند، نظام مرد سالار را که از زمان های بسیار قدیم بر ساختارهای خانواده حاکم بوده، سست کرده است و اثر خود را بر پایبندی سیاسی بر جای گذاشته است. این روند بر دو پایه استوار است، اطاعت کوچک ترها از بزرگ ترها و زنان از مردان. میزان زاد و ولد کمتر، مورد اول را به چالش می گیرد: تک فرزند خواهر یا برادر ندارد تا از او مراقبت کند.

* پژو و هشگر ارشد مؤسسه ملی فرانسه برای پژوهش های جمعیت شناختی در پاریس، نویسنده ای که اخیراً اثری در مورد جمعیت شناسی در دنیای عرب چاپ کرده است.



درصد جمعیت مسلمان در هر کشور: ۰ تا ۴ درصد □ ۵ تا ۲۴ درصد □ ۲۵ تا ۴۹ درصد □ ۵۰ تا ۷۴ درصد □ ۷۵ تا ۱۰۰ درصد

جمعیت مسلمان (%)	جمعیت مسلمان (به میلیون)	جمعیت مسلمان (%)	جمعیت مسلمان (به میلیون)
آسیا (به غیر از کشورهای عرب)		جهان عرب	
۷۸	۱۸۲/۶	۹۰	۵۸/۶
۹۵	۱۳۴/۵	۹۹	۳۰/۵
۸۸	۱۱۴/۱	۹۹	۲۸/۸
۱۲	۱۲۱	۹۷	۲۲
۹۰	۶۵	۹۷	۲۱/۳
آمریکا / اروپا *		آفریقا (به غیر از کشورهای عرب)	
۱۰	۱۴/۶	۴۳	۵۳
۱/۹	۴/۱	۷۲	۲۵/۶
۵/۵	۳/۲	۳۳	۲۱/۳
۷۰	۲/۴	۳۷	۱۳/۱
۲/۱	۱/۷	۹۰	۹/۶

* بنا بر منابع دیگر، جمعیت مسلمان در روسیه فدراتیو، بین ۸/۵ تا ۲۱، در آمریکا ۶ تا ۷ و در فرانسه ۴ تا ۵ میلیون نفر است.

پنج کشور با بیشترین جمعیت مسلمان در هر یک از مناطق اصلی جهان

دارد که به وسیله یک آیت الله که بالاترین مرتبه در مقامات مذهبی است، هدایت می شود. درست برعکس آن اسلام سنی فاقد سلسله مراتب مذهبی است. با این حال، «الازهر»، دانشگاه الهیات قاهره، برای علمای چهار گوشه جهان (با فارغ التحصیلان دکترا در حقوق اسلامی) یک مرکز روشنفکری محسوب می شود. با این همه «الازهر» یک نهاد دولتی است که رئیس آن از سوی رئیس جمهور مصر منصوب می گردد. در ایران، مصر و چند جای دیگر مذهب در صورتی که علناً با سیاست مبارزه نکنند، ارتباط بسیار نزدیکی با قدرت سیاسی دارد.

محسوب می شود، به چهار مکتب الهی و شرعی (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) تقسیم شده است که هر کدام بر قسمتی از دارالاسلام تسلط دارد. در نتیجه «امت» به اندازه مسیحیت دارای وجوه مختلف است و مرجعیت واحد قابل قبولی وجود ندارد و به همین دلیل است که رسیدن به هرگونه اتفاق نظری در مورد ایمان، اصول اعتقادی یا سیاست اگر چه غیر ممکن نیست ولی مشکل است. اسلام مثل مسیحیت دارای پاپ یا واتیکان نیست اما چندین مرکز روشنفکرانه دارد. جهان شیعه که بیشتر به ایران محدود شده است یک روحانیت اصلی

در گستره وسیعی از جنگل جاوه تا بیابانهای صحرا و از کوههای هیمالیا تا استپهای آسیای مرکزی پراکنده اند. همین تنوع در سطح تعالیم آنان نیز دیده می شود. همان گونه که خود حضرت محمد(ص) پیش بینی می کرد، اسلام به ۷۳ مکتب، جریان، حکومت، جمعیت و فرقه مختلف منشعب شده است از قبیل: سنی، شیعی، خوارج، زیدی، علوی، احمدی، وهابیی، عبادی، بکناش، دروزی و... از هر ده مسلمان یک نفر شیعه است و اکثریت را سنی ها تشکیل می دهند. این شاخه که ارتودکس